

نسخه نفیس بینهایت مهمی از کلام الله متعلق

بقرن دوم هجری

محمد تقی مصطفوی

رئیس موزه ایران باستان

در بهار سال ۱۳۳۶ چند نسخه خطی مندرس قرآن های عتیقه از طرف تولیت آستانه حضرت معصومه (ع) اداره کل باستان شناسی فرستاده شد و تقاضای تعمیر و صحافی آنها را نمودند. اداره باستان شناسی بوسیله آقایان اسدالله اسفرجانی و حسن دنیاگرد استادان لایق صحافی کتب قدیمه که جهت این خدمت سراغ داشت توانست تعمیر نسخه های مزبور را انجام دهد و نتیجه کار از هر بابت خوب و رضایت بخش شد. ضمن نسخه های مزبور اوراق مندرس و پریشانی وجود داشت که متعلق به جزء سی ام کلام الله بوده صورت ظاهر آنها بقدری آسیب دیده و غیر قابل استفاده مینمود که در آغاز امر تعمیر و اصلاح اوراق مزبور را مورد تردید ساخت لکن به پیروی از تمایل شدید تولیت آستانه حضرت معصومه (ع) نسخه مندرس مزبور نیز با وجود آسیب زیاد و کسری صفحات آن بوسیله دو نفر استاد نامبرده مرمت و تجلید گردید و صورت قابل توجهی پیدا کرد. پس از تعمیر نسخه مزبور هنگامیکه صفحه اول آن مورد بازدید مجدد قرار گرفت (۱) پنج سطر خطوط کوفی بسیار زیبا بر حاشیه های تذهیب مشتمل بر اطلاعات تاریخی بس گرانبها ملاحظه شد که در وحله اول بر اثر اندراس و بهم خوردگی صفحات از نظر پوشیده مانده بود و با دقت و بررسی خطوط نامبرده نوشته های آن بشرح زیر خوانده شد:

(۱) اندازه صفحات نسخه قرآن فوق الذکر ۱۷/۲ سانتیمتر در ۲۰/۲ سانتیمتر است.

المأمون اميرالمومنين رفع الله

ذکره وايد نصره وذلك

فی (شهر) الله المبارک رمضان

سنة (مان) وتسعين ومائه و

(الحمد لله رب العالمين وصلواته (علی) محمد

(و) له الطاهرین

بدینقرار نسخه خطی شیوائی از قرن دوم هجری مربوط به نخستین سال خلافت مأمون عباسی کشف گردید و هنگامیکه این خبر خوش باطلاع برخی از اهل فن رسید معلوم شد که شادروان دکتر مهدی بهرامی مدیر دانشمند و متوفی موزه ایران باستان ضمن بررسی درباره آثار موجود در آستانه حضرت معصومه (ع) بوجود و اهمیت نسخه مورد ذکر پی برده و قصد انتشار آنرا داشته است. لکن انتشار این اثر نفیس تاریخی مانند بسیاری از بررسیهای دیگر علمی آن همکار فقید بر اثر مرگ نا بهنگام وی متروک مانده است.

چون اهمیت نسخه مزبور معلوم گردید از بر گرداندن آن همراه سایر نسخه های خطی کلام الله بموزه آستانه حضرت معصومه خود داری گشت تا درباره آن بررسی بیشتری بعمل آید و ضمن مقاله مناسبی تا حد امکان این نسخه نفیس را بحضار ارباب ذوق و هنر و اهل دانش معرفی نماید. بدین لحاظ بامواقت تولیت آستانه که از سالیان دراز نهایت اعتماد و همکاری صمیمانه مشترک را با باستانشناسی دارند قرار شد نسخه مزبور تا پایان بررسیهای مورد نظر باستانشناسی برای تهیه عکسهای رنگی و نقاشی از روی صفحه اول و برخی سر سوره ها و تزیینات مهمتر و شاخص تر این اثر مذهبی و هنری مهم بسیار قدیمی در موزه ایران باستان باقی بماند و در نتیجه بررسیهای مختلف درباره آن بعمل آمد.

نسخه کلام الله مزبور پس از توجه به درجه قدمت و اهمیت آن به بعضی از دانشمندان و محققان صاحب نظر که باموزه ایران باستان سروکار و ارتباط دارند ارائه شد و چون خط شیوائی آن هر مدیف خطوط کوفی قرن چهارم هجری بنظر میرسید لازم دانست برای اطمینان از تعلق آن بقرن دوم هجری نظر اهل فن

استفسار گردد و در اجرای این منظور دانشمندان و استادان فن که مورد آشنائی و مراجعه باموزه ایران باستان بودند ملقب تقاضای اینجناب آنرا بازدید فرمودند و بطور کلی در انتساب خط و کاغذ آن به تاریخ ۱۹۸ هجری تردیدی روا نداشتند (۱) ضمناً چنین نظر دادند که اگر اثری دیرتر از تاریخ ۱۹۸ در این جزء قرآن باشد برخی تصرفات در خط و تذهیب و تزیینات آنست که تا حدود دو قرن بعد از تاریخ نوشتن قرآن مزبور در آن بکار برده اند و خوشبختانه جناب آقای دکتر مهدی بیانی مدیر کل دانشمند کتابخانه ملی تقاضای اینجناب را بر آورده نظر خود را درباره نسخه مزبور مرقوم داشتند که در قسمت دوم این مقاله عیناً بنظر خوانندگان گرامی میرسد و تصرفات و تحولات مورد اشاره صاحبان نظر بنحو روشن و جامعی در آن بیان گشته است.

ضمناً دانشمند محترم آقای مجتبی مینوی در مسافرت موقت و کوتاه خود از ترکیه بتهران سراغ این نسخه را گرفته پس از ملاحظه آن چنین اظهار عقیده فرمودند که نسخه مزبور کار خراسان بوده بدلیل چگونگی خط آن یقیناً از قرن چهارم هجری قدیمی تر نیست و صفحه اول که نام مأمون و تاریخ ۱۹۸ را دربر دارد بنظر ایشان معمول آمده است و بتقاضای اینجناب موافقت فرمودند عین نظریه ایشان را هم بشرح بالا در این مقاله مذکور دارد و نگارنده ضمن عرض امتنان و درعین حال پیروی از نظریه عموم دانشمندان دیگر آنچه توانسته ام باصیل شناختن نسخه مزبور بررسیهایی نموده مطالبی را که مناسب دیده و دانسته ام جمع آوری کرده و در مقاله حاضر بعرض خوانندگان گرامی و علاقمندان میرسانم: بطوریکه گذشت از جمله کسانی که نسخه خطی

(۱) دانشمندان و استادان فن که نسخه مورد ذکر را ملاحظه و اسالت آنرا تصدیق فرموده اند عبارتند از جناب آقای سید محمد مشکوة استاد دانشگاه تهران - جناب آقای دکتر مهدی بیانی مدیر کل کتابخانه ملی - جناب آقای سید محمد هاشمی گرمائی مدیر روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی - آقای موسی پیرامون مقدم کارشناس و از زبان رسمی موزه ایران باستان - آقای احمد سهیلی خوانساری مدیر کتابخانه ملی ملک - آقای ایوب رینو بازرگان و کارشناس درجه یک ایران درباره هرگونه اشیاء متبینه و نسخه های خطی - آقای فخرالدین نصیری امینی بازرگان و کارشناس بسیار مطلع و آزموده اشیاء متبینه خصوصاً نسخه های خطی قدیمی.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اهمیت علمی این مؤسسه ذکر شده است و برطبق آنچه در کتاب مزبور اشاره رفته است در سال ۸۳۰ میلادی (مطابق ۲۱۵ هجری ق) بیت الحکمه تأسیس گردید (۳) و سه برادر سابق الذکر (احمد و حسن و محمد) فرزندان موسی ابن شاکر خوارزمی اساساً صاحبذوق و قریحه علمی و هنری بوده مستقلاً هم بدینگونه امور اشتغال داشته‌اند و بتشویق علوم و فنون و هنرهای مختلف می‌پرداخته و علاوه بر زیجی که برای بیت الحکمه مأمون درست کرده‌اند در خانه خویش در بغداد نیز زیجی ترتیب داده‌اند (۴) با بررسی مطالب مذکور در کتاب نامبرده چنین معلوم میگردد که برادران خوارزمی مردم متمکنی بوده‌اند و گذران ایشان از اشتغال و مزدوری در دستگاه خلافت فراهم نیشده است.

باتوجه باینکه تاریخ تأسیس بیت الحکمه بشرحی که گذشت سال ۲۱۵ قمری میباشد معلوم میشود مأمون پیش از تأسیس بیت الحکمه و از ابتدای سلطنت خود به رونق علم و هنر و فنون عصر علاقه میورزیده است و نسخه قرآن مورد بحث در رمضان سال ۱۹۸ هجری یعنی مقارن با آغاز خلافت مأمون بنام ابن خلیفه نوشته شده و تذهیب یافته است و تأسیس بیت الحکمه هفده سال پس از آن عملی گردیده است.

مزبور را ملاحظه نموده‌اند جناب آقای سید محمد هاشمی کرمانی هستند - دانشمند نامبرده پس از مشاهده این اثر نفیس توضیحاتی بیان داشتند و در این مورد بنقل قول از ایشان اجمالاً اطلاعاتی را بشرح زیر مذکور میدارد:

« هارون الرشید کتابخانه‌ای تأسیس کرد و مأمون کتابخانه مزبور را توسعه داده بنام بیت الحکمه موسوم گردانید و آنرا بزرگ و تزیین نمود . . . سه برادر بنام احمد و حسن و محمد (۴) فرزندان موسی ابن شاکر خوارزمی در تزیین و ترجمه کتب و اداره کتابخانه مزبور سهم فراوان دارند و زیجی هم درست کردند . . . نام این سه برادر در فهرست ابن ندیم مذکور میباشد. »
مقارن اوقاتی که مقاله حاضر تهیه میشد خوشبختانه دانشمند محترم جناب آقای مهدی تراقسی (۱) از اطلاعات مفیدی صحبت داشتند که در کتاب تاریخ عرب تألیف پروفور فلیپ خوری هیتی (۲) راجع به نسخه‌های خطی قرون اولیه هجرت و بیت الحکمه و

(۱) مدیر کل سابق کمیسیون ارض و از صاحب‌منصبان بازنشسته وزارت دارائی که عمری را به بررسی مباحث تاریخی و ادبی گذرانیده‌اند و تکرارنده مکرر از اطلاعات و معاشدتهای علمی ایشان برخوردار شده و طبقه خود میدانم در این مورد مراتب سپاسگزاری صمیمانه‌امرا بمحضرتشان تقدیم نمائیم.

(۲) History of the Arabs, sixth edition, by Philip K. Hitti. Professor of Semitic Literature in Princeton University, London & Co Ltd. New York St Martin's Press.

(۳) صفحه ۲۱۰ کتاب سابق الذکر.

(۴) صفحات ۲۱۲-۲۱۴-۲۷۵ کتاب سابق الذکر.



دُرَّتْ وَبِخَاتَمِ الْعُرْوَةِ الْوُاسِعَةِ

بطوریکه میدانیم فوت هارون الرشید بسال ۱۹۸ یعنی همان سال کتابت نسخه قرآن نفیس آستانه حضرت معصومه (ع) رخداد و مأمون که در آن هنگام والی مرو بود بدستیاری طاهر ذوالیسنین دلاور خراسانی برمدعی خود امین پیروزی یافت و از خراسان عازم بغداد گردید و باتوجه باین قرائن و وجود خوش نویسان و هنرمندان ایرانی در دستگاه خلافت هارون و مأمون میتوان معتقد بود که نسخه نفیس مورد ذکر بوسیله ایرانیان در خراسان تهیه گردیده و ملی تحولات روزگار به آستانه حضرت معصومه (ع) تعلق یافته است.

دانشمند فقید دکتر بهرامی در قسمت اول راهنمای گنجینه قرآن (۱) در موارد مختلف راجع به هنرمندان ایرانی که در فنون ظریفه مربوط به کلام الله مجید دخالت داشته اند اشاره نموده است و در اینجا بمناسبت اهمیت نسخه نفیس نامبرده بمورد میدانم برخی از نوشته های دانشمند فقید را عیناً تکرار نماید:

در صفحه ۱۸ نشریه مزبور چنین مینگارد:

« ترقی خط کوفی را باید مصادف با زمان اقتدار خلفای بنی عباس و محصول توجه خاندان برامکه در توسعه علم و هنر دانست و بنابگفته ابن الندیم در زمان هارون الرشید خوشنویسان زبردستی وجود داشته اند

که یکی از ایشان بنام خشنام اصلا ایرانی بوده است » در صفحه ۳۷ همان نشریه ضمن توضیحات مربوط بقرآن در تاریخ تذهیب چنین مینویسد:

« اما در برابر نقوذ ذوق رومیان یا هنرمندانی که با تمدن ساحل دریای مدیترانه آشنائی داشته اند سهم ایرانیان نیز در پرورش افکار تزیینی مسلمین ناچیز نبوده است و شاید یکی از مهمترین مراکز تمدن عرب در صدر اسلام و پیش از تأسیس شهر بغداد (کوفه) بوده که در تاریخ بمناسبت مربوط بودن با تمدن ساسانی اهمیت خاصی یافته است »

در صفحه ۳۹ و ۴۰ نشریه نامبرده چنین نگاشته

است:

« اگرچه امروز از قرآنها نفیسی که هر سال سلطان ابراهیم بن مسعود غزنوی بیابان رسانیده بسکه میفرستاد چیزی بجا نمانده است و از کتابخانه های مهمی که به عضدالدوله دیلمی (۳۳۸ - ۳۷۲) و به شاپور بن اردشیر وزیر بهاءالدوله (۳۸۰ - ۴۰۴) نسبت داده شده بجز نامی در تواریخ باقی نمانده است ولی بهترین گواه پیشرفت نقاشی در زمان سلطنت سامانیان و غزنویان آثار است که در ضمن کاوشهای اخیر بدست آمده و در موزه ایران باستان نگاهداری میشود. نقوش تزیینی که بر روی ظروف سفالین نوع نیشابور مشاهده میشود برای آرایش کتاب نیز مناسب بوده و از روی آن بخوبی میتوان بسبک تذهیب قرآنهاي آن زمان پی برد.

« در آنوقت در خراسان بزرگترین مکتبهای تذهیب و خوش‌نویسی کشور قرار داشته چنانکه ابوالقاسم سعید بن ابراهیم بن عالم بن ابراهیم بن صالح که در جمادی‌الاول سال ۴۲۷ نسخه قرآن نفیس موزه بریتانیا را بپایان رسانیده در پایان کار خود تصریح میکند که فن خوش‌نویسی و تذهیب را در دامغان و نیشابور آموخته است. »

اشاره دانشمند فقید دکتر مهدی بهرامی باین موضوع که نقوش تزئینی ظروف سفالین نوع نیشابور برای آرایش کتاب نیز مناسب بوده است این معنی را بیش از پیش تأیید میکند که نمونه‌های خطوط کوفی قرن سوم هجری بر روی ظروف نیشابور هم میتواند معرف خطوط کوفی نسخه‌های قرآن آن زمان باشد و اگر در نظر بیاوریم که هنرمندان و خوشنویسان چیره دست آثاری را که به تشویق شهریاران برای کتابخانه‌های پادشاهان مینگاشتند طلیعه آثار هنری بوده است که در سالهای بعد بتدریج فزونی مییافته و مظهر هنری آن دوران میگرددیده است میتوانیم باین نکته پی ببریم که قرآن مورد ذکر در این مقاله سرمشق هنری و نمونه بارز خط و تذهیب سالهای بعد از تحریر آن نسخه نفیس بوده باشد. بنابراین جای شکفت نخواهد بود که تاریخ ۱۹۸ برای این نسخه زودتر از دورانی بنظر میرسد که خط و تذهیب نظیر آن رایج و شایع گردیده است و با توجه بدین نکات هنگامیکه نوشته‌های بعضی ظروف نیشابور متعلق بقرن سوم (۱) را با خطوط و تذهیبات نسخه نفیس مورد بحث مقایسه کنیم باور کردن این نکته دشوار نخواهد بود که نسخه قرآن مزبور در پایان قرن دوم هجری نگاشته شده و تذهیب یافته و اثر ممتاز و منحصری بشمار میرفته است و در قرن سوم و چهارم بتدریج خط کوفی شبیه و نظیر آن و تذهیباتی همانند آنچه در آن بکار رفته متدرجاً معمول و رایج گردیده است.

نکته حساس دیگری که در نسخه قرآن مزبور شایسته

دقت و توجه مخصوص است موضوع کاغذ آن است. در کتاب تاریخ عرب که فوقاً بآن اشاره شد در مورد تاریخ کاغذ در قرون اولیه اسلامی چنین مینگارد: «صنعت کاغذسازی در اواسط قرن هشتم میلادی (نیمه اول قرن دوم هجری) وارد سمرقند گردید (۲) - کاغذ ساخت سمرقند شهرت یافت و در نیکوئی نظیر نداشت. پیش از پایان قرن مزبور کارخانه کاغذسازی در بغداد احداث گردید و این صنعت متدرجاً در سایر شهرها رواج یافت و انواع کاغذهای سفید و رنگی ساخته می‌شد. . . .»

« قدیمی‌ترین کتاب خطی کاغذی که تا این تاریخ باقی مانده و فعلاً موجود میباشد کتاب حدیثی است بنام غریب الحدیث تألیف عبدالقاسم بن سلام - این کتاب در کتابخانه دانشگاه لیدن Leyden موجود است. » (۳)

با توجه بهین مختصر بخوبی میتوان دریافت که نسخه کلام الله موضوع این مقاله عجالة از قدیمیترین نسخه خطی کاغذی دنیای اسلام که مورد اشاره و اطلاع پرفسور هیتی دانشمند شهیر و متخصص آثار اسلامی قرار گرفته است پنجاه و چهار سال قدیمیتر میباشد. دانشمند نامبرده در جای دیگر کتاب خود چنین مینگارد: « تا اوائل قرن سوم هجری وسیله معمولی کتابت پوست آهو یا پاپیروس بود. بعضی اسناد رسمی که روی پوست آهو نوشته شده و در ضمن جنگهای داخلی بین امین و مأمون بغارت رفته بود بعداً شسته و پاک شده مجدداً برای مصرف کتابت بفروش رسیده است. پس از آغاز قرن سوم هجری کاغذ ساخت چین وارد عراق شد ولی بزودی صنعت کاغذسازی بومی گردید. اول دفعه در سمرقند اسرای چین در سال ۷۵۱ میلادی (۱۳۳ هجری) شروع بساختن کاغذ از الیاف کتان و شاهدانه و کف نمودند. لغت قدیم عربی برای کاغذ که ظاهراً از اصل چینی از طریق زبان فارسی وارد زبان عربی گردیده همان واژه کاغذ است.

(۲) منشاء پول کالدی نیز کشور چین است. در سال ۱۲۹۴ (۶۹۲ هجری قمری) پول کالدی در تبریز بخط چینی و عربی چاپ شد.
(۳) نقل از صفحه ۲۴۷ کتاب سابق الذکر.

(۱) رجوع کنید به مقاله « ظروف گلی لعابدار نیشابور » در شماره دوم نقش و نگار - زمستان ۱۳۳۵

کتابخانه کنگرهداران

الفجره

شادروان دکتر مهدی بهرامی چون در هنگام تدوین مطالب گنجینه قرآن (اواخر سال ۱۳۲۷ شمسی) هنوز از این نسخه اطلاع نداشته نظریه خود را در مورد تاریخ تأثیر ذوق ایرانیان در هنرهای مربوط بکلام الله مجید چنین اظهار نموده است: «تأثیر از قرن سوم هجری که هنوز طلیعه نهضت ملی در صنایع اسلامی ایران بروز نکرده در تزئین قرآن نیز ایرانیان ذوق و سلیقه فطری خود را بکار نبرده و نظر با احترام دینی قرآن همان اسلوب عربی آنرا مدتها حفظ کرده اند.» (۳)

اما اکنون بشرحی که گذشت در میابیم که طلیعه هنرنمایی ایرانیان در کتابت کتاب آسمانی مسلمانان هر چند عملاً در قرن سوم ظاهر شده است لکن در کتابخانه خاصه دستگاه خلافت از قرن دوم پرتو افکن گردیده بود و اینک نمونه آن در نسخه ذیقیمت آستانه حضرت معصومه (ع) هویدا و در آن مکان مقدس و مرکز کنونی عالم تشیع در سرزمین عزیز ایران روشنی بخش دیدگان مردم این مرز و بوم مییابد و گواه دیگری بر سرشت هنری ایرانیانست که بهر حال و در هر مقام باشند ذوق فطری خود را در ایجاد مظاهر هنری بروز میدهند.

(۳) گنجینه قرآن - نشریه اداره کل باستان شناسی - چاپ تهران فروردین ۱۳۲۸ - صفحه ۲۹ قسمت اول.

تصاویر رو پشت جلد این شماره کبیه دوصفحه از همین قرآن است بوسیله خانم لیلی تقی پور و عکس آیات قرآن بر فراز صفحات این مقاله از عزیزالله حانمی - مدیر فتو نیوز

صنعت کاغذ سازی از سمرقند بعراق آمده است. در سال ۷۹۴ (۱۷۸ هجری ق) اولین کارخانه کاغذ سازی در بغداد بوسیله فضل بن یحیی برمکی که قبلاً حکمران خراسان بود ایجاد گردیده است. برادر فضل یعنی جعفر برمکی وزیر هارون الرشید اسناد رسمی دیوان خلافت را از پوست آهو بکاغذ تبدیل کرد. (۱)

پس از این مبحث دانشمند نامبرده به توسعه صنعت کاغذ سازی در سایر شهرهای اسلامی پرداخته سپس اشاره میکند که ریشه کلمه قرطاس واژه یونانی کارتی Chartes است که یونانیان به پاپیروس میگفتند و پاپیروس راهم از شهرهای واقع در دلتای مصر بیونان میبرده اند. (۲)

باتوجه به آنچه فوقاً گذشت این مطلب بیش از پیش تأیید میگردد که نسخه قرآن کاغذی در قرن دوم هجری بعلمت وجود کاغذ در سمرقند باید مربوط به سمرقند یا شهر وناحیه دیگری از خراسان باشد و علاوه بر اینکه در سال ۱۹۸ هجری مأمون از خراسان عازم بغداد شده است وجود کاغذ از سالیان پیش در خراسان و ذوق و هنر دوستی ایرانیان و هنرمندان ایرانی که در دستگاه خلافت کار میکرده اند و بالاخره ایجاد صنعت کاغذ سازی هم بوسیله خاندان برمکیان در بغداد این مطلب را اثبات میکند که نسخه قدیمی و نفیس کلام الله نامبرده یکی از قدیمترین و اصیلترین یادگارهای ملت ایران بشمار میرود.

(۱ و ۲) نقل از صفحه ۱۱۴ کتاب سابق الذکر